

سپهر صادقی، رتبه اول جشنواره شعر دانش آموزی کشور:

اولین شعرم را برای خواهرم گفتم



گروه فرهنگ و هنر - سپهر صادقی متولد ۱۳۸۰ کرمان و هم اکنون دانش آموز پایه یازدهم دبیرستان شاهد است و همین روزهای اخیر خبر یافته ایم در جشنواره شعر دانش آموزی رتبه اول کشور را کسب کرده است. به همین بهانه و ضمن تبریک به او گفت و گوی کوتاهی با او انجام دادیم. سپهر صادقی فرزند حسین سبزه صادقی و ژنلا کاکاپور است که هر از فعالان حوزه ادب و هنر استان هستند.

آقا سپهر، قبل از هر چیزی می‌خواهم بدانم از کی شعر گویی؟

من از لحظاتی که چشم‌ها را درم دور و برم شعر دیدم و کتاب و شاعر و هنرمند.

خانه و محل کار پدر که خودش هم شاعر است، مدام محل رفت و آمد شاعران و نویسندگان بوده و هنوز هم هست. مادر هم روزنامه نگار و پژوهشگر است، دکتر ادبیات است و در دانشگاه درس می‌دهد و چند کتاب و کلی مقاله دارد.

به همین خاطر من از بچه گی با شعر و شب شعر و جلسات ادبی آشنا شدم. مثلا یک پیرمرد هفت هفت سال پیش چند روز مهمان ما بود یک ماه پیش عکسش را پشت مجله بخارا که پدرم آورده بود دیدم از بابام پرسیدم این آقا همان پیرمردی نیست که چند سال پیش مهمان ما بود و با هم به جیروت و ماهان رفتیم. پدرم گفت: بله، ایشان نورخامه‌های هستند، از بزرگان فرهنگ کشور. یا دکتر کیومرث منشی‌زاده، شاعر که دوست بابا بودند و گاهی مهمان ما بودند.

بگذار بپرسم: اولین شعرت را کی نوشتی؟

اولین شعرم را فکر می‌کنم نه سالگی برای خواهرم «هانا» که به دنیا آمده بود و گریه می‌کرد.

شعرش یادت هست؟

بله: «خواهرم لشک‌های تو نکهای از من است، گریه نکن آب می‌شوم»

شعر بعدی هم این بود: «به سکوت می‌روم، صدایی پادی ته کوچه است»

شعر بعدی یک متن رب بود که برای جشن پایان سال مدرسه‌مان گفتم و رقت خواندم

آیا تشویق هم شدی؟

بله، یادم است مجری برنامه آقای حسن زاده مجری تلویزیون بود و خیلی هم روی سن تشویقم کرد. یک چیز دیگر هم بگویم، من به هنر، شعر، موسیقی و به خصوص رپ‌نویسی و رپ‌خوانی و مجری‌گری خیلی علاقه دارم اما پدرم برای این کارها تشویق نمی‌کند.

چرا؟

می‌گویند کار هنری و فعالیت فرهنگی توی این مملکت درآمد ندارد و همیشه از من می‌خواهد زبان انگلیسی‌ام را قوی کنم و فکر کاری تجاری باشم. اما شعر و موسیقی خودش می‌آید سراغم من.

آقا سپهر، جشنواره‌ای که رفتید، چطور بود؟

مسافرات را که آموزش و پرورش در رشته‌های مختلف در تهران برگزار می‌کند و هرسال نفرات برگزیده استان‌ها را برای رقابت کشوری دعوت می‌کنند.

اسمالم هم از استان کرمان یک گروه تئاتر از شهرستان راور برگزیده استان بود، من و تعدادی دیگر از دانش آموزان کرمانی بودیم که جمعا ۲۲ نفر به سرپرستی آقای حیدری و آقای شهبانی، هفدهم رفتیم و بیست و دوم مرداد برگشتیم.

از استان کرمان، من رتبه اول بخش شعر، نادر ابراهام از جیروت رتبه دوم بخش داستان و یکی دیگر از دوستان هم که نامش خاطرم نیست رتبه سوم بخش انیمیشن کشور را کسب کردیم.

از برنامه‌ها راضی بودی؟

من اولین بار بود می‌رفتیم، چند کارگاه شعر بود که خیلی خوب بود. با لپچه‌های مختلف بچه‌های سراسر کشور آشنا شدم که خیلی جالب بود. کلی دوست پیدا کردم و در کل خیلی خوب بود.

اما در کل حس می‌کنم اگر ما در مسابقه ورزشی مقام کشوری آورده بودیم، تشویق بیشتری می‌شدیم، بی‌سر و صدا با فشار رقتیم و با فشار هم برگشتیم، شما که لطف کردید و مصاحبه می‌کنید، فکر می‌کنم دوست و همکار بابام هستیدا.

کاز بدن فاقد کلام می‌باشد، حال آنکه فرم درام دارد و به مثابه یک شکل کلی تعریف می‌شود.

ما یک مفهوم را نمایش می‌دهیم نه یک کشور را

همچنین بوریا قلی‌پور نیز در این نشست به ادای پاره‌ای توضیحات می‌پردازد و در بخش‌هایی از صحبتش می‌گوید: ما نتوانستیم از دلالت‌های وطنی استفاده کنیم، چون می‌خواستیم یک مفهوم را نمایش دهیم نه یک جامعه خاص را، نه یک کشور را، ما جهانی را نمایش می‌دهیم که هر کس احساس کند خودش را در آن می‌بیند. سرپرست گروه «آل» در بخش دیگری از سخنانش با اشاره به روند ویرانگر مفهومی که نمایش بر آن استوار است، اظهار می‌دارد: این نظام رشد می‌کند و خودش خودش را نابود می‌کند و به فیلم «اونچر» ساخته‌ی برلرلان روسو به عنوان یک نمونه از آثار اخیر هالیوود اشاره می‌کند که به تم ویرانگری توسط خود، اشاره دارد و نشان می‌دهد که اگر نصف جهان هم از بین برود، اشکالی ندارد! قلی‌پور توضیح می‌دهد که سازندگان فیلم اونچر، سرنوشت بشری را روایت می‌کنند که جهان خود را به اشتباه ساخته و در این اشتباه پیش رفته و اکنون باید نابود شود تا بهشتی دیگر بنا شود.

مفهوم تولد و تکرار را طرح کرده‌ایم

در بخش‌هایی از این نشست حامد اسماعیلی نیز به معنای متضاد تبار اشاره می‌کند که هم به معنای ریشه است و هم به معنای نابودی و می‌گوید این اجرا برآمده از یک حس و تجربه شخصی است. کارگردان تبار می‌فرزاید این اجرا از منظر انتقادی به کلیت زندگی مدرن می‌نگرد و مفهوم تولد و تکرار را در زندگی یک فرد معترض در چرخه‌ی زندگی نمایشی مطرح می‌کند. او اظهار می‌دارد: فکر کردم اگر از نظر بصری یک اجرای مورد توجه را برنامه‌ریزی کنیم، نمایشم قابلیت ارتباط بیشتری خواهد داشت.

گفت‌وگو با علی ملازاده، شاعر و مدرس داستان‌نویسی

نقد در کرمان تعارف است

کلمات را به آسانی خرج نمی‌کنم



علی ملازاده متولد ۱۳۵۷ است تا مقطع کارشناسی حسابداری خوانده و کارشناسی ارشدش را مدیریت مالی اما ما او را به عنوان یک چهره‌ی ادبی می‌شناسیم که با شعر شروع کرده و تجربه‌ی روزنامه‌نگاری هم دارد، اما سال‌های اخیر بیشتر او را در عرصه‌ی آموزش نوشتن فعال دیده‌ایم؛ اخیرا پنجمین سری از کارگاه داستان‌نویسی خود را در حوزه هنری کرمان آغاز کرده که بهانه همین گفت‌وگو است و طرره‌ای آنکه انجام این گفت‌وگو با سالروز تولد او مقارن شده است.

به علی ملازاده چهلمین سالگی‌اش را تبریک می‌گوییم.

آقای ملازاده لطفا از شروع کارتان بگویید؟

از سال ۷۴ به صورت جدی فعالیتی را که می‌گویند با رفتن اتفاقی به جلسات شعر شروع کردم، البته قبلمش هم بیشتر شعر و کمتر داستان می‌نوشتم و تجربه‌های شخصی داشتم اما سال ۷۴ را نقطه عطفی می‌دانم که ادبیات را برایم جدی کرد.

در آن سال‌ها بیشتر به جلسات شعر می‌رفتید که رونق داشت، درست است؟

بله بیشتر جلسات انجمن شعر خواجه و بعضا جلسات شعر و داستان پراکنده‌ی دیگر. تا آنجا که می‌دانم یک تجربه‌ی گروهی در چاپ و انتشار شعر و داستان هم داشته‌اید؟

بله، ۲ کتاب به صورت گروهی چاپ کردیم، یک مجموعه شعر مشترک به نام «عکس یادگاری» که با دوستانم مازنار نیستانی، مهدی گنجی، مهدی افضلی و افشین کریمی در سال ۸۰ با نشر ودیعت کرمان درآوردیم و دوم، گردآوری که مجموعه داستان کرمان با عنوان «یکی بود یکی دیگر هم بود» که به اتفاق مازنار نیستانی و مهدی افضلی کار کردیم و نشر فائوس کرمان آن را چاپ کرد.

شاید یادآوری این نکته بی‌مناسبت نباشد که در آن سال‌ها کمتر کسی کتاب چاپ می‌کرد و شتاب نشر در این حد فعلی نبود. در آن سال‌ها تنها مجموعه شعر «باغملی ۵۷» از محمد علی جوشایی.

بعد از آن هم حوالی سال‌های ۸۴ و ۸۵، در چاپ و انتشار یک مجموعه با موضوع مستند سازی خاطرات و شرح با محوریت بازیونند با یونسف همکاری داشتیم که به خانواده‌های قربانی و دیگر افرادی مثل مددکاران، مشاوران و نیروهای داوطلبی می‌پرداخت که در بلایای طبیعی و غیر طبیعی مثل بیماری، زلزله و مثل جنگ آسیب دیده یا با آن درگیر بوده‌اند.

این کار از سال ۸۲ به خاطر زلزله در بم کلید خورد و سال ۸۵ به سرانجام رسید.

با این سوابقی که پرشمردی اما در سال‌های اخیر ما علی ملازاده را بیشتر در برگزاری کارگاه‌های فعال می‌بینیم، چرا؟

من کارگاه‌هایم را از حدود ۱۴، یک سال قبل در پژوهشکده تعلیم و تربیت شروع کردم که به عنوان استاد راهنما در بخش ادبیات در آن پژوهشکده مشغول بودم. همان سال‌ها

بعدا در آموزش و پرورش ناحیه ۲ در خدمت آقای فردوسی و ملکی همین فعالیت گسترش پیدا کرد و بعدتر در حوزه هنری کرمان در کنار زنده‌یاد محمد علی مسعودی، مستمر شد. او کارگاه داستان داشت و من کارگاه شعر، بعد از آنکه آن عزیز از پیش ما رفت، مجتبی شعر برگزاری کارگاه شعر را متقبل شد و من هم داستان؛ همین روند مدتی در فرهنگسرای کوثر نیز ادامه داشت. بعدترها حدود ۷ سالی از این فعالیت دور ماندم اما دوباره برگشتم.

بعد از این چند سال وقفه چه ارزیابی داشته‌اید؟

متاسفانه بعد از چند سال دوری از برگزاری کارگاه و دیگر جلسات شعر و داستان دیدم انگار هیچ اتفاق خاصی نیفتاده و با چند سال قبل هیچ تفاوتی مشاهده نمی‌شود! تنها زمان گذشته بود، اما هیچ رشدی صورت نگرفته بود. تنها اتفاق خوب اینکه در این سال‌ها وضعیت چاپ و نشر رونق و شتاب بیشتری گرفته، برای همین در ابتدا با پیشنهاد یکی از دوستان یک کارگاه مجازی راه انداختم و بعدتر با خواست تعدادی دیگر از دوستان، کارگاه را از صورت مجازی به شکل حضوری تغییر دادیم و دوستان هم لطف داشتند و استقبال کردند و تا کنون ۴ یا ۵ کارگاه از سلسله همان کارگاه‌ها برگزار شده است.

در این کارگاه‌ها بیشتر بر داستان‌نویسی متمرکز هستید، درست است؟

محویت کارگاه‌های من نوشتن خلاق است و طیف داستان، نمایشنامه، فیلمنامه، شعر و تولید محتوای تئاتر را هم می‌تواند دربرگیرد، اما تمرکز بر داستان است، چون بیشتر وحدت بخش دوستانی است که در این کارگاه‌ها حضور می‌یابند و هم مینمای مشترک بسیاری از زائرهای دیگر مثل نمایشنامه و فیلمنامه می‌تواند بود.

آقای ملازاده اینجا یک سوال برام مطرح کنید؟

بعدا در آموزش و پرورش ناحیه ۲ در خدمت آقای فردوسی و ملکی همین فعالیت گسترش پیدا کرد و بعدتر در حوزه هنری کرمان در کنار زنده‌یاد محمد علی مسعودی، مستمر شد. او کارگاه داستان داشت و من کارگاه شعر، بعد از آنکه آن عزیز از پیش ما رفت، مجتبی شعر برگزاری کارگاه شعر را متقبل شد و من هم داستان؛ همین روند مدتی در فرهنگسرای کوثر نیز ادامه داشت. بعدترها حدود ۷ سالی از این فعالیت دور ماندم اما دوباره برگشتم.

بعد از این چند سال وقفه چه ارزیابی داشته‌اید؟

متاسفانه بعد از چند سال دوری از برگزاری کارگاه و دیگر جلسات شعر و داستان دیدم انگار هیچ اتفاق خاصی نیفتاده و با چند سال قبل هیچ تفاوتی مشاهده نمی‌شود! تنها زمان گذشته بود، اما هیچ رشدی صورت نگرفته بود. تنها اتفاق خوب اینکه در این سال‌ها وضعیت چاپ و نشر رونق و شتاب بیشتری گرفته، برای همین در ابتدا با پیشنهاد یکی از دوستان یک کارگاه مجازی راه انداختم و بعدتر با خواست تعدادی دیگر از دوستان، کارگاه را از صورت مجازی به شکل حضوری تغییر دادیم و دوستان هم لطف داشتند و استقبال کردند و تا کنون ۴ یا ۵ کارگاه از سلسله همان کارگاه‌ها برگزار شده است.

ما این است که همه‌ی دوستان علاقه‌مند به نوشتن هستند، من سعی می‌کنم در این کارگاه‌ها با این شکل برگزار می‌کنم، بلکه می‌گویم آنچه انجام می‌دهم شکل صحیحی است که استاندارد جهانی است. شکل‌های گذشته را تجربه کرده‌ام و کارگاه‌هایی که به این شکل برگزار می‌کنم، بهترین احساس رضایت را به من می‌دهد.

با چه انگیزه‌ای این کارگاه‌ها را برگزار می‌کنید؟

من در این هفته روز ۲۷ مرداد ۹۷، چهل سالم می‌شود. و به تعبیر یکی از دوستان در این سن آدم باید میراثی از خود به‌جای بگذارد. در ادبیات این میراث می‌تواند گزینه‌هایی مثل خلق و چاپ اثر یا انتقال تجربه و دانش باشد که از میان گزینه‌های متعدد من عجالتا بر یکی متمرکز شدم که برگزاری همین کارگاه‌ها است.

اگر از شما بپرسم کارگاه‌های شما چه خروجی داشته، چه پاسخی دارید؟ خروجی هم داشته؟

من سعی می‌کنم خروجی کلی را عرض

کنم و مختصرا بگویم که دوستان زیادی از دوستانی که امروز نامی و نشانی دارند، یا هنوز روزهای اول ورودشان به نوشتن است و یا آمدند و رها کردند، علاوه بر تلاش خودشان و آموزش‌هایی که از جاهای دیگر گرفتند، حداقل بهره‌ای که از کارگاه نوشتن خلاق برداشته‌اند اینکه این کارگاه‌ها ذهن را پرورش می‌دهد که مثل دیگران نبینیم، مثل دیگران نشویم و مثل دیگران ننویسیم.

متاسفانه امروزه همه داریم از روی دست هم زندگی می‌کنیم و می‌نویسیم، اگر یک کتاب را بخوانی انگار همه کتاب‌ها را خوانده‌ای، چون همه مثل هم تولید می‌کنیم، ما در کارگاه سعی داریم بر تفاوت‌ها تاکید کنیم تا نویسندگان نگاه و قلم خود را پیدا کنند و مورد دوم که برایم خیلی مهم است، این است که نسلی تربیت کنیم که از داستان خوب، شعر خوب، فیلمنامه خوب، نمایشنامه خوب و اصولا کتاب خوب یک شناخت پیدا کند و از کار خوب را از کار بد تمیز دهد. این کار از نظر من ارزش زیادی دارد چون مصرف کننده یا همان مخاطب است که سطح نویسنده را بالا می‌آورد. الان جامعه ادبی ما در شکل انبوه (به جز استثناات) بیشتر تولیدکنندگانی هستند میان تهی که ذائقه مخاطبان را به هم مخاطب روز به روز سطحی‌تر و نازل‌تر پشود.

سال‌های قبل اگر می‌خواستی یک کتاب خوب بخری، به عنوان مثال می‌توانستی به نشر چشمه مراجعه کنی و به این برند اطمینان کنی و مطمئن باشی که کتاب خوبی را خریده‌ای. اما امروزه این اطمینان از بین رفته من مناسبات اینترنتی‌ها و روابطشان با مولفین را نمی‌دانم اما هرچه هست و اتفاقی که افتاده اعتماد به نشر معتبر تقریبا از بین رفته است و مخاطبان یک توده سردرگم شده‌اند.

آقای ملازاده شما با شعر شروع کردید و خیلی زود هم به همان شکل گروهی که گفتید کار چاپ کردید، اما بعد از آن مخصوصا در مقایسه با هم‌نسلان خود دیگر کاری چاپ نکردید، چرا؟

اگر کارگردان تئاتر همچنین با اشاره به اینکه چون تئاتر کلاسیک از روایت و گفتار به صورت توأمان استفاده می‌کند و در کار بدن این هردو غایب یا خیلی کم‌رنگ هستند، می‌گوید: غیاب گفتار و روایت بر جذابیت نمایش فیزیکال خصوصا در بین جوان‌ها می‌افزاید. عبدالرضا فراری در بخش دیگری از سخنانش خود به تصوری رایج در تئاتر ایران اشاره می‌کند و معتقد است خیلی از این تصورها با یک نظرگاه‌های خاص وارد گفتار تئاتر ایران شده و به همان شکل ثابت مانده‌اند و نیازمند بازنگری هستند. او به عنوان مثال می‌گوید در گفتار رایج تلقی از فرم همان اجرای فیزیکال یا

اگر کارگردان تئاتر همچنین با اشاره به اینکه چون تئاتر کلاسیک از روایت و گفتار به صورت توأمان استفاده می‌کند و در کار بدن این هردو غایب یا خیلی کم‌رنگ هستند، می‌گوید: غیاب گفتار و روایت بر جذابیت نمایش فیزیکال خصوصا در بین جوان‌ها می‌افزاید. عبدالرضا فراری در بخش دیگری از سخنانش خود به تصوری رایج در تئاتر ایران اشاره می‌کند و معتقد است خیلی از این تصورها با یک نظرگاه‌های خاص وارد گفتار تئاتر ایران شده و به همان شکل ثابت مانده‌اند و نیازمند بازنگری هستند. او به عنوان مثال می‌گوید در گفتار رایج تلقی از فرم همان اجرای فیزیکال یا

اگر کارگردان تئاتر همچنین با اشاره به اینکه چون تئاتر کلاسیک از روایت و گفتار به صورت توأمان استفاده می‌کند و در کار بدن این هردو غایب یا خیلی کم‌رنگ هستند، می‌گوید: غیاب گفتار و روایت بر جذابیت نمایش فیزیکال خصوصا در بین جوان‌ها می‌افزاید. عبدالرضا فراری در بخش دیگری از سخنانش خود به تصوری رایج در تئاتر ایران اشاره می‌کند و معتقد است خیلی از این تصورها با یک نظرگاه‌های خاص وارد گفتار تئاتر ایران شده و به همان شکل ثابت مانده‌اند و نیازمند بازنگری هستند. او به عنوان مثال می‌گوید در گفتار رایج تلقی از فرم همان اجرای فیزیکال یا

اگر کارگردان تئاتر همچنین با اشاره به اینکه چون تئاتر کلاسیک از روایت و گفتار به صورت توأمان استفاده می‌کند و در کار بدن این هردو غایب یا خیلی کم‌رنگ هستند، می‌گوید: غیاب گفتار و روایت بر جذابیت نمایش فیزیکال خصوصا در بین جوان‌ها می‌افزاید. عبدالرضا فراری در بخش دیگری از سخنانش خود به تصوری رایج در تئاتر ایران اشاره می‌کند و معتقد است خیلی از این تصورها با یک نظرگاه‌های خاص وارد گفتار تئاتر ایران شده و به همان شکل ثابت مانده‌اند و نیازمند بازنگری هستند. او به عنوان مثال می‌گوید در گفتار رایج تلقی از فرم همان اجرای فیزیکال یا

اگر کارگردان تئاتر همچنین با اشاره به اینکه چون تئاتر کلاسیک از روایت و گفتار به صورت توأمان استفاده می‌کند و در کار بدن این هردو غایب یا خیلی کم‌رنگ هستند، می‌گوید: غیاب گفتار و روایت بر جذابیت نمایش فیزیکال خصوصا در بین جوان‌ها می‌افزاید. عبدالرضا فراری در بخش دیگری از سخنانش خود به تصوری رایج در تئاتر ایران اشاره می‌کند و معتقد است خیلی از این تصورها با یک نظرگاه‌های خاص وارد گفتار تئاتر ایران شده و به همان شکل ثابت مانده‌اند و نیازمند بازنگری هستند. او به عنوان مثال می‌گوید در گفتار رایج تلقی از فرم همان اجرای فیزیکال یا

اگر کارگردان تئاتر همچنین با اشاره به اینکه چون تئاتر کلاسیک از روایت و گفتار به صورت توأمان استفاده می‌کند و در کار بدن این هردو غایب یا خیلی کم‌رنگ هستند، می‌گوید: غیاب گفتار و روایت بر جذابیت نمایش فیزیکال خصوصا در بین جوان‌ها می‌افزاید. عبدالرضا فراری در بخش دیگری از سخنانش خود به تصوری رایج در تئاتر ایران اشاره می‌کند و معتقد است خیلی از این تصورها با یک نظرگاه‌های خاص وارد گفتار تئاتر ایران شده و به همان شکل ثابت مانده‌اند و نیازمند بازنگری هستند. او به عنوان مثال می‌گوید در گفتار رایج تلقی از فرم همان اجرای فیزیکال یا

اگر کارگردان تئاتر همچنین با اشاره به اینکه چون تئاتر کلاسیک از روایت و گفتار به صورت توأمان استفاده می‌کند و در کار بدن این هردو غایب یا خیلی کم‌رنگ هستند، می‌گوید: غیاب گفتار و روایت بر جذابیت نمایش فیزیکال خصوصا در بین جوان‌ها می‌افزاید. عبدالرضا فراری در بخش دیگری از سخنانش خود به تصوری رایج در تئاتر ایران اشاره می‌کند و معتقد است خیلی از این تصورها با یک نظرگاه‌های خاص وارد گفتار تئاتر ایران شده و به همان شکل ثابت مانده‌اند و نیازمند بازنگری هستند. او به عنوان مثال می‌گوید در گفتار رایج تلقی از فرم همان اجرای فیزیکال یا

اگر کارگردان تئاتر همچنین با اشاره به اینکه چون تئاتر کلاسیک از روایت و گفتار به صورت توأمان استفاده می‌کند و در کار بدن این هردو غایب یا خیلی کم‌رنگ هستند، می‌گوید: غیاب گفتار و روایت بر جذابیت نمایش فیزیکال خصوصا در بین جوان‌ها می‌افزاید. عبدالرضا فراری در بخش دیگری از سخنانش خود به تصوری رایج در تئاتر ایران اشاره می‌کند و معتقد است خیلی از این تصورها با یک نظرگاه‌های خاص وارد گفتار تئاتر ایران شده و به همان شکل ثابت مانده‌اند و نیازمند بازنگری هستند. او به عنوان مثال می‌گوید در گفتار رایج تلقی از فرم همان اجرای فیزیکال یا

اگر کارگردان تئاتر همچنین با اشاره به اینکه چون تئاتر کلاسیک از روایت و گفتار به صورت توأمان استفاده می‌کند و در کار بدن این هردو غایب یا خیلی کم‌رنگ هستند، می‌گوید: غیاب گفتار و روایت بر جذابیت نمایش فیزیکال خصوصا در بین جوان‌ها می‌افزاید. عبدالرضا فراری در بخش دیگری از سخنانش خود به تصوری رایج در تئاتر ایران اشاره می‌کند و معتقد است خیلی از این تصورها با یک نظرگاه‌های خاص وارد گفتار تئاتر ایران شده و به همان شکل ثابت مانده‌اند و نیازمند بازنگری هستند. او به عنوان مثال می‌گوید در گفتار رایج تلقی از فرم همان اجرای فیزیکال یا

اگر کارگردان تئاتر همچنین با اشاره به اینکه چون تئاتر کلاسیک از روایت و گفتار به صورت توأمان استفاده می‌کند و در کار بدن این هردو غایب یا خیلی کم‌رنگ هستند، می‌گوید: غیاب گفتار و روایت بر جذابیت نمایش فیزیکال خصوصا در بین جوان‌ها می‌افزاید. عبدالرضا فراری در بخش دیگری از سخنانش خود به تصوری رایج در تئاتر ایران اشاره می‌کند و معتقد است خیلی از این تصورها با یک نظرگاه‌های خاص وارد گفتار تئاتر ایران شده و به همان شکل ثابت مانده‌اند و نیازمند بازنگری هستند. او به عنوان مثال می‌گوید در گفتار رایج تلقی از فرم همان اجرای فیزیکال یا

اگر کارگردان تئاتر همچنین با اشاره به اینکه چون تئاتر کلاسیک از روایت و گفتار به صورت توأمان استفاده می‌کند و در کار بدن این هردو غایب یا خیلی کم‌رنگ هستند، می‌گوید: غیاب گفتار و روایت بر جذابیت نمایش فیزیکال خصوصا در بین جوان‌ها می‌افزاید. عبدالرضا فراری در بخش دیگری از سخنانش خود به تصوری رایج در تئاتر ایران اشاره می‌کند و معتقد است خیلی از این تصورها با یک نظرگاه‌های خاص وارد گفتار تئاتر ایران شده و به همان شکل ثابت مانده‌اند و نیازمند بازنگری هستند. او به عنوان مثال می‌گوید در گفتار رایج تلقی از فرم همان اجرای فیزیکال یا

اگر کارگردان تئاتر همچنین با اشاره به اینکه چون تئاتر کلاسیک از روایت و گفتار به صورت توأمان استفاده می‌کند و در کار بدن این هردو غایب یا خیلی کم‌رنگ هستند، می‌گوید: غیاب گفتار و روایت بر جذابیت نمایش فیزیکال خصوصا در بین جوان‌ها می‌افزاید. عبدالرضا فراری در بخش دیگری از سخنانش خود به تصوری رایج در تئاتر ایران اشاره می‌کند و معتقد است خیلی از این تصورها با یک نظرگاه‌های خاص وارد گفتار تئاتر ایران شده و به همان شکل ثابت مانده‌اند و نیازمند بازنگری هستند. او به عنوان مثال می‌گوید در گفتار رایج تلقی از فرم همان اجرای فیزیکال یا

اگر کارگردان تئاتر همچنین با اشاره به اینکه چون تئاتر کلاسیک از روایت و گفتار به صورت توأمان استفاده می‌کند و در کار بدن این هردو غایب یا خیلی کم‌رنگ هستند، می‌گوید: غیاب گفتار و روایت بر جذابیت نمایش فیزیکال خصوصا در بین جوان‌ها می‌افزاید. عبدالرضا فراری در بخش دیگری از سخنانش خود به تصوری رایج در تئاتر ایران اشاره می‌کند و معتقد است خیلی از این تصورها با یک نظرگاه‌های خاص وارد گفتار تئاتر ایران شده و به همان شکل ثابت مانده‌اند و نیازمند بازنگری هستند. او به عنوان مثال می‌گوید در گفتار رایج تلقی از فرم همان اجرای فیزیکال یا

اگر کارگردان تئاتر همچنین با اشاره به اینکه چون تئاتر کلاسیک از روایت و گفتار به صورت توأمان استفاده می‌کند و در کار بدن این هردو غایب یا خیلی کم‌رنگ هستند، می‌گوید: غیاب گفتار و روایت بر جذابیت نمایش فیزیکال خصوصا در بین جوان‌ها می‌افزاید. عبدالرضا فراری در بخش دیگری از سخنانش خود به تصوری رایج در تئاتر ایران اشاره می‌کند و معتقد است خیلی از این تصورها با یک نظرگاه‌های خاص وارد گفتار تئاتر ایران شده و به همان شکل ثابت مانده‌اند و نیازمند بازنگری هستند. او به عنوان مثال می‌گوید در گفتار رایج تلقی از فرم همان اجرای فیزیکال یا

اگر کارگردان تئاتر همچنین با اشاره به اینکه چون تئاتر کلاسیک از روایت و گفتار به صورت توأمان استفاده می‌کند و در کار بدن این هردو غایب یا خیلی کم‌رنگ هستند، می‌گوید: غیاب گفتار و روایت بر جذابیت نمایش فیزیکال خصوصا در بین جوان‌ها می‌افزاید. عبدالرضا فراری در بخش دیگری از سخنانش خود به تصوری رایج در تئاتر ایران اشاره می‌کند و معتقد است خیلی از این تصورها با یک نظرگاه‌های خاص وارد گفتار تئاتر ایران شده و به همان شکل ثابت مانده‌اند و نیازمند بازنگری هستند. او به عنوان مثال می‌گوید در گفتار رایج تلقی از فرم همان اجرای فیزیکال یا

اگر کارگردان تئاتر همچنین با اشاره به اینکه چون تئاتر کلاسیک از روایت و گفتار به صورت توأمان استفاده می‌کند و در کار بدن این هردو غایب یا خیلی کم‌رنگ هستند، می‌گوید: غیاب گفتار و روایت بر جذابیت نمایش فیزیکال خصوصا در بین جوان‌ها می‌افزاید. عبدالرضا فراری در بخش دیگری از سخنانش خود به تصوری رایج در تئاتر ایران اشاره می‌کند و معتقد است خیلی از این تصورها با یک نظرگاه‌های خاص وارد گفتار تئاتر ایران شده و به همان شکل ثابت مانده‌اند و نیازمند بازنگری هستند. او به عنوان مثال می‌گوید در گفتار رایج تلقی از فرم همان اجرای فیزیکال یا

اگر کارگردان تئاتر همچنین با اشاره به اینکه چون تئاتر کلاسیک از روایت و گفتار به صورت توأمان استفاده می‌کند و در کار بدن این هردو غایب یا خیلی کم‌رنگ هستند، می‌گوید: غیاب گفتار و روایت بر جذابیت نمایش فیزیکال خصوصا در بین جوان‌ها می‌افزاید. عبدالرضا فراری در بخش دیگری از سخنانش خود به تصوری رایج در تئاتر ایران اشاره می‌کند و معتقد است خیلی از این تصورها با یک نظرگاه‌های خاص وارد گفتار تئاتر ایران شده و به همان شکل ثابت مانده‌اند و نیازمند بازنگری هستند. او به عنوان مثال می‌گوید در گفتار رایج تلقی از فرم همان اجرای فیزیکال یا

اگر کارگردان تئاتر همچنین با اشاره به اینکه چون تئاتر کلاسیک از روایت و گفتار به صورت توأمان استفاده می‌کند و در کار بدن این هردو غایب یا خیلی کم‌رنگ هستند، می‌گوید: غیاب گفتار و روایت بر جذابیت نمایش فیزیکال خصوصا در بین جوان‌ها می‌افزاید. عبدالرضا فراری در بخش دیگری از سخنانش خود به تصوری رایج در تئاتر ایران اشاره می‌کند و معتقد است خیلی از این تصورها با یک نظرگاه‌های خاص وارد گفتار تئاتر ایران شده و به همان شکل ثابت مانده‌اند و نیازمند بازنگری هستند. او به عنوان مثال می‌گوید در گفتار رایج تلقی از فرم همان اجرای فیزیکال یا

اگر کارگردان تئاتر همچنین با اشاره به اینکه چون تئاتر کلاسیک از روایت و گفتار به صورت توأمان استفاده می‌کند و در کار بدن این هردو غایب یا خیلی کم‌رنگ هستند، می‌گوید: غیاب گفتار و روایت بر جذابیت نمایش فیزیکال خصوصا در بین جوان‌ها می‌افزاید. عبدالرضا فراری در بخش دیگری از سخنانش خود به تصوری رایج در تئاتر ایران اشاره می‌کند و معتقد است خیلی از این تصورها با یک نظرگاه‌های خاص وارد گفتار تئاتر ایران شده و به همان شکل ثابت مانده‌اند و نیازمند بازنگری هستند. او به عنوان مثال می‌گوید در گفتار رایج تلقی از فرم همان اجرای فیزیکال یا

اگر کارگردان تئاتر همچنین با اشاره به اینکه چون تئاتر کلاسیک از روایت و گفتار به صورت توأمان استفاده می‌کند و در کار بدن این هردو غایب یا خیلی کم‌رنگ هستند، می‌گوید: غیاب گفتار و روایت بر جذابیت نمایش فیزیکال خصوصا در بین جوان‌ها می‌افزاید. عبدالرضا فراری در بخش دیگری از سخنانش خود به تصوری رایج در تئاتر ایران اشاره می‌کند و معتقد است خیلی از این تصورها با یک نظرگاه‌های خاص وارد گفتار تئاتر ایران شده و به همان شکل ثابت مانده‌اند و نیازمند بازنگری هستند. او به عنوان مثال می‌گوید در گفتار رایج تلقی از فرم همان اجرای فیزیکال یا

اگر کارگردان تئاتر همچنین با اشاره به اینکه چون تئاتر کلاسیک از روایت و گفتار به صورت توأمان استفاده می‌کند و در کار بدن این هردو غایب یا خیلی کم‌رنگ هستند، می‌گوید: غیاب گفتار و روایت بر جذابیت نمایش فیزیکال خصوصا در بین جوان‌ها می‌افزاید. عبدالرضا فراری در بخش دیگری از سخنانش خود به تصوری رایج در تئاتر ایران اشاره می‌کند و معتقد است خیلی از این تصورها با یک نظرگاه‌های خاص وارد گفتار تئاتر ایران شده و به همان شکل ثابت مانده‌اند و نیازمند بازنگری هستند. او به عنوان مثال می‌گوید در گفتار رایج تلقی از فرم همان اجرای فیزیکال یا

اگر کارگردان تئاتر همچنین با اشاره به اینکه چون تئاتر کلاسیک از روایت و گفتار به صورت توأمان استفاده می‌کند و در کار بدن این هردو غایب یا خیلی کم‌رنگ هستند، می‌گوید: غیاب گفتار و روایت بر جذابیت نمایش فیزیکال خصوصا در بین جوان‌ها می‌افزاید. عبدالرضا فراری در بخش دیگری از سخنانش خود به تصوری رایج در تئاتر ایران اشاره می‌کند و معتقد است خیلی از این تصورها با یک نظرگاه‌های خاص وارد گفتار تئاتر ایران شده و به همان شکل ثابت مانده‌اند و نیازمند بازنگری هستند. او به عنوان مثال می‌گوید در گفتار رایج تلقی از فرم همان اجرای فیزیکال یا

اگر کارگردان تئاتر همچنین با اشاره به اینکه چون تئاتر کلاسیک از روایت و گفتار به صورت توأمان استفاده می‌کند و در کار بدن این هردو غایب یا خیلی کم‌رنگ هستند، می‌گوید: غیاب گفتار و روایت بر جذابیت نمایش فیزیکال خصوصا در بین جوان‌ها می‌افزاید. عبدالرضا فراری در بخش دیگری از سخنانش خود به تصوری رایج در تئاتر ایران اشاره می‌کند و معتقد است خیلی از این تصورها با یک نظرگاه‌های خاص وارد گفتار تئاتر ایران شده و به همان شکل ثابت مانده‌اند و نیازمند بازنگری هستند. او به عنوان مثال می‌گوید در گفتار رایج تلقی از فرم همان اجرای فیزیکال یا

اگر کارگردان تئاتر همچنین با اشاره به اینکه چون تئاتر کلاسیک از روایت و گفتار به صورت توأمان استفاده می‌کند و در کار بدن این هردو غایب یا خیلی کم‌رنگ هستند، می‌گوید: غیاب گفتار و روایت بر جذابیت نمایش فیزیکال خصوصا در بین جوان‌ها می‌افزاید. عبدالرضا فراری در بخش دیگری از سخنانش خود به تصوری رایج در تئاتر ایران اشاره می‌کند و معتقد است خیلی از این تصورها با یک نظرگاه‌های خاص وارد گفتار تئاتر ایران شده و به همان شکل ثابت مانده‌اند و نیازمند بازنگری هستند. او به عنوان مثال می‌گوید در گفتار رایج تلقی از فرم همان اجرای فیزیکال یا

اگر کارگردان تئاتر همچنین با اشاره به اینکه چون تئاتر کلاسیک از روایت و گفتار به صورت توأمان استفاده می‌کند و در کار بدن این هردو غایب یا خیلی کم‌رنگ هستند، می‌گوید: غیاب گفتار و روایت بر جذابیت نمایش فیزیکال خصوصا در بین جوان‌ها می‌افزاید. عبدالرضا فراری در بخش دیگری از سخنانش خود به تصوری رایج در تئاتر ایران اشاره می‌کند و معتقد است خیلی از این تصورها با یک نظرگاه‌های خاص وارد گفتار تئاتر ایران شده و به همان شکل ثابت مانده‌اند و نیازمند بازنگری هستند. او به عنوان مثال می‌گوید در گفتار رایج تلقی از فرم همان اجرای فیزیکال یا

اگر کارگردان تئاتر همچنین با اشاره به اینکه چون تئاتر کلاسیک از روایت و گفتار به صورت توأمان استفاده می‌کند و در کار بدن این هردو غایب یا خیلی کم‌رنگ هستند، می‌گوید: غیاب گفتار و روایت بر جذابیت نمایش فیزیکال خصوصا در بین جوان‌ها می‌افزاید. عبدالرضا فراری در بخش دیگری از سخنانش خود به تصوری رایج در تئاتر ایران اشاره می‌کند و معتقد است خیلی از این تصورها با یک نظرگاه‌های خاص وارد گفتار تئاتر ایران شده و به همان شکل ثابت مانده‌اند و نیازمند بازنگری هستند. او به عنوان مثال می‌گوید در گفتار رایج تلقی از فرم همان اجرای فیزیکال یا

اگر کارگردان تئاتر همچنین با اشاره به اینکه چون تئاتر کلاسیک از روایت و گفتار به صورت توأمان استفاده می‌کند و در کار بدن این هردو غایب یا خیلی کم‌رنگ هستند، می‌گوید: غیاب گفتار و روایت بر جذابیت نمایش فیزیکال خصوصا در بین جوان‌ها می‌افزاید. عبدالرضا فراری در بخش دیگری از سخنانش خود به تصوری رایج در تئاتر ایران اشاره می‌کند و معتقد است خیلی از این تصورها با یک نظرگاه‌های خاص وارد گفتار تئاتر ایران شده و به همان شکل ثابت مانده‌اند و نیازمند بازنگری هستند. او به عنوان مثال می‌گوید در گفتار رایج تلقی از فرم همان اجرای فیزیکال یا